



Reevaluating the Jurisprudential and Legal Norms of Conditional Ownership in the Contract of Pledge

Fariba Samiey Shouredel¹, Mahdi Zolfaghari^{2*}, Morteza Barati³

- 1. Department of Private Law, Da.C., Islamic Azad University, Damghan, Iran.
- 2. Department of Law, Da.C., Islamic Azad University, Damghan, Iran.
- 3. Department of Law, Da.C., Islamic Azad University, Damghan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 247-264

Article history:

Received: 10 Oct 2025

Edition: 13 Dec 2025

Accepted: 06 Feb 2026

Published online: 28 Mar 2026

Keywords:

Conditional Ownership, Floating Ownership, Pledge Contract, Right of Security, Ja'Fari Jurisprudence.

Corresponding Author:

Mahdi Zolfaghari

Address:

Iran, Damghan, Islamic Azad University, Da.C., Department of Law.

Orchid Code:

0009-0006-5190-4829

Tel:

09132619330

Email:

mzolfaghari@iau.ir

ABSTRACT

Background and Aims: Conditional (floating) ownership in the contract of pledge is a complex and influential concept in Ja'fari jurisprudence and Iranian law, which has long been subject to scholarly debate and disagreement. This study aims to reevaluate the jurisprudential and legal norms governing conditional ownership in pledges through an analytical approach.

Materials and Methods: This research is theoretical in nature. The methodology is descriptive-analytical, with data collected through library research, including books, legal documents, and academic articles.

Ethical Considerations: Throughout the research, authenticity, honesty, and integrity in handling sources were strictly maintained.

Findings: The findings indicate that in Ja'fari jurisprudence, conditional ownership in pledges faces divergent views regarding the transfer of ownership to the pledgee and limitations imposed by general principles such as *la darar*, creating practical and legal complexities. In Iranian law, examination of civil codes and the case law of national courts reveals legal gaps and inconsistencies in the execution of pledges and protection of parties' rights.

Conclusion: The results suggest that reevaluating jurisprudential norms and reforming legal regulations can ensure more secure execution of pledge contracts, safeguard the interests of both pledgor and pledgee, reduce judicial disputes, and enhance transactional security.

Cite this article as:

Samiey Shouredel, F; Zolfaghari, M; Barati, M. *Reevaluating the Jurisprudential and Legal Norms of Conditional Ownership in the Contract of Pledge*. Economic Jurisprudence Studies. 2026.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هشتم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

بازاندیشی در موازین فقهی و حقوقی مالکیت متزلزل در عقد رهن

فربیا سمیعی شوره دل^۱، مهدی ذوالفقاری^{۲*}، مرتضی براتی^۳

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

۳. گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: مالکیت متزلزل در عقد رهن یکی از مفاهیم پیچیده و تأثیرگذار در فقه امامیه و حقوق ایران است که همواره مورد بحث و اختلاف نظر فقها و حقوقدانان بوده است. این پژوهش با هدف بازاندیشی در موازین فقهی و حقوقی مالکیت متزلزل در رهن انجام شده و به بررسی تحلیلی-تطبیقی این مفهوم می‌پردازد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مالکیت متزلزل در عقد رهن در فقه امامیه با اختلاف نظر فقها در انتقال مالکیت به وثیقه‌گیرنده و محدودیت قواعدی مانند لاضرر مواجه است، که پیچیدگی‌های عملی و حقوقی ایجاد می‌کند. در حقوق ایران نیز بررسی قوانین مدنی و رویه محاکم داخلی نشان می‌دهد که خلأها و ناهماهنگی‌های قانونی در اجرای رهن و حفاظت از حقوق طرفین وجود دارد.

نتیجه: نتایج حاکی از آن است که بازاندیشی در موازین فقهی و اصلاح قوانین حقوقی می‌تواند اجرای مطمئن‌تر عقد رهن را فراهم کرده و تضمین‌کننده حفظ منافع رهن‌دهنده و رهن‌گیرنده باشد، همچنین زمینه‌ای برای کاهش اختلافات قضایی و افزایش امنیت معاملات فراهم می‌آورد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۴۷-۲۶۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۸

واژگان کلیدی:

مالکیت متزلزل، مالکیت مشروط، عقد رهن، حق وثیقه، فقه امامیه.

نویسنده مسئول:

مهدی ذوالفقاری

آدرس پستی:

ایران، دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان، گروه حقوق.

تلفن:

09132619330

کد ارکید:

0009-0006-5190-4829

پست الکترونیک:

mzolfaghari@iau.ir

۱. مقدمه

مالکیت متزلزل در عقد رهن یکی از مفاهیم پیچیده و تأثیرگذار در نظام‌های فقهی و حقوقی است که اهمیت آن در سال‌های اخیر به دلیل گسترش معاملات مالی و نیاز به امنیت در روابط قراردادی بیش از پیش محسوس شده است. این مفهوم، که در آن مالکیت نسبت به مال مرهونه به صورت مشروط و تحت برخی شرایط به طرف دیگر منتقل می‌شود، در تطبیق قواعد سنتی فقه و حقوق با شرایط اقتصادی مدرن نقش مهمی ایفا می‌کند. ضرورت بازاندیشی در موازین فقهی و حقوقی مالکیت متزلزل در رهن ناشی از چند عامل است: نخست، پیچیدگی‌های ناشی از تنوع عقود وثیقه‌ای و گستردگی استفاده از رهن در معاملات بانکی و تجاری؛ دوم، وجود ابهامات در تعریف حقوقی مالکیت متزلزل و نحوه اجرای آن؛ و سوم، اهمیت ایجاد چارچوبی منسجم که منافع طرفین قرارداد را در شرایط متغیر اقتصادی تضمین نماید.

مفهوم مالکیت متزلزل در فقه امامیه به مالکیتی اطلاق می‌شود که انتقال آن به وثیقه‌گیرنده در عقد رهن مشروط به تحقق شرایط خاص است. این نوع مالکیت با مالکیت مطلق که در آن انتقال حقوق و تصرفات بدون قید و شرط انجام می‌شود، تفاوت دارد و به دلیل ویژگی‌های مشروط خود، آثار حقوقی و عملی خاصی دارد. عقد رهن در فقه امامیه و حقوق ایران به‌عنوان یکی از عقود وثیقه‌ای، وسیله‌ای برای تضمین دیون و تعهدات مالی است و با مفاهیمی چون تملیک مشروط، حق وثیقه و محدودیت‌های حقوقی مالکیت همراه است. در فقه امامیه، رهن علاوه بر نقش تأمین تعهد، تحت تأثیر قواعد کلی مانند قاعده لاضرر و قاعده ضمان قرار دارد و بررسی دقیق آن مستلزم

توجه به اختلاف آراء فقها و تطبیق آن با شرایط روز است. از منظر حقوق ایران، عقد رهن در قانون مدنی تعریف شده و مقررات مربوط به آن، حقوق و تکالیف طرفین، نحوه انتقال مالکیت و آثار مالکیت متزلزل را مشخص می‌کند؛ با این حال، ابهامات و خلأهایی در قانون و رویه قضایی وجود دارد که امکان تحلیل و بازاندیشی را ایجاد می‌نماید. مرور ادبیات پیشین نشان می‌دهد که پژوهش‌های متعددی به بررسی رهن و مالکیت مشروط در فقه امامیه پرداخته‌اند. این مطالعات عمدتاً به تبیین اقسام رهن، شرایط تحقق مالکیت مشروط، و اختلاف دیدگاه‌های فقها در انتقال مالکیت پرداخته‌اند. در حوزه حقوق ایران نیز تحقیقات متعددی وضعیت حقوقی رهن، آثار مالکیت متزلزل و تداخل آن با سایر عقود را مورد تحلیل قرار داده‌اند. با این حال، بررسی همزمان وجوه فقهی و حقوقی مالکیت متزلزل در رهن و بازاندیشی در موازین آن به منظور انطباق با شرایط اقتصادی و حقوقی معاصر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این شکاف پژوهشی نشان‌دهنده ضرورت انجام تحقیق حاضر و تحلیل تطبیقی-تحلیلی آن است. مسئله تحقیق در این پژوهش حول سه محور اصلی تعریف شده است: نخست، نحوه تعریف مالکیت متزلزل در عقد رهن و تشخیص ویژگی‌های حقوقی و فقهی آن؛ دوم، جایگاه مالکیت متزلزل در فقه امامیه و حقوق ایران و بررسی همگرایی و واگرایی میان این دو نظام؛ و سوم، امکان به‌روزرسانی موازین فقهی و حقوقی برای انطباق با تحولات اقتصادی و نیازهای عملی بازار. بر این اساس، سؤالات اصلی تحقیق به شرح زیر تعیین شده‌اند: الف. مالکیت متزلزل در عقد رهن چگونه تعریف می‌شود و چه ویژگی‌هایی دارد؟ ب. جایگاه مالکیت متزلزل در

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیل است. از روش کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری داده‌ها و مطالب در این تحقیق استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مالکیت متزلزل در عقد رهن در فقه امامیه با اختلاف نظر فقها در انتقال مالکیت به وثیقه‌گیرنده و محدودیت قواعدی مانند لاضرر مواجهه است، که پیچیدگی‌های عملی و حقوقی ایجاد می‌کند. در حقوق ایران نیز بررسی قوانین مدنی و رویه محاکم داخلی نشان می‌دهد که خلأها و ناهماهنگی‌های قانونی در اجرای رهن و حفاظت از حقوق طرفین وجود دارد.

۵. بحث

پس از مرور مفاهیم کلیدی و تبیین اهمیت مالکیت متزلزل در عقد رهن، پژوهش حاضر وارد بررسی مفصل مباحث فقهی و حقوقی می‌شود. در این بخش، ابتدا چارچوب نظری و مفهومی مالکیت متزلزل و رهن معرفی می‌گردد تا پایه‌ای مستحکم برای تحلیل‌های بعدی فراهم شود. سپس دیدگاه‌های فقها در فقه امامیه و مقررات و رویه حقوقی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد تا ابهامات، اختلاف‌ها و نقاط قوت و ضعف موجود روشن شود. این ساختار به خواننده امکان می‌دهد تا تحلیلی منسجم از مالکیت متزلزل در رهن و ضرورت بازاندیشی در موازین آن دریافت کند.

فقه امامیه و حقوق ایران چیست و چه ارتباطی با قواعد عمومی فقهی و حقوقی دارد؟ ج. آیا امکان به‌روزرسانی موازین فقهی و حقوقی برای انطباق با شرایط اقتصادی و حقوقی امروز وجود دارد؟ با توجه به این سوالات، فرضیه‌های تحقیق نیز به شرح زیر مطرح شده‌اند:

الف. مالکیت متزلزل در عقد رهن مفهومی مستقل با ویژگی‌های خاص حقوقی و فقهی است که قابل تعریف و تبیین است. ب. وجود اختلاف و ابهام در فقه امامیه و حقوق ایران، ضرورت بازاندیشی و ارائه چارچوب منسجم حقوقی را ایجاب می‌کند. ج. امکان بازنگری و به‌روزرسانی موازین فقهی و حقوقی برای تطبیق با شرایط اقتصادی و عملی بازار وجود دارد.

جنبه نوآوری و اهمیت این تحقیق در تمرکز همزمان بر وجوه فقهی و حقوقی مالکیت متزلزل در رهن، بازخوانی قواعد سنتی در پرتو نیازهای معاصر و ارائه تحلیل تطبیقی-تحلیلی است که می‌تواند زمینه‌ساز بحث‌های علمی و حقوقی بیشتر در این حوزه شود. با این رویکرد، این مقاله تلاش دارد تا ضمن معرفی مفاهیم کلیدی و مرور ادبیات موجود، چارچوب مفهومی و مسئله‌محوری روشن برای مطالعه مالکیت متزلزل و بازاندیشی در موازین آن ارائه نماید. هدف اصلی مقاله، تحلیل و بازاندیشی در موازین فقهی و حقوقی مالکیت متزلزل در عقد رهن است، به گونه‌ای که ضمن تبیین مفاهیم و اصول، زمینه لازم برای اصلاح و تکمیل چارچوب حقوقی و فقهی در ایران فراهم گردد و مسیر مطالعات آتی و بحث‌های علمی مرتبط با امنیت معاملات مالی و تضمین حقوق طرفین در قراردادهای رهن روشن شود.

۵-۱. مبانی نظری و مفهومی

مالکیت متزلزل مفهومی است که در نظام‌های فقهی و حقوقی به مالکیتی اطلاق می‌شود که انتقال آن به صورت مشروط و وابسته به تحقق شرایط خاص انجام می‌گیرد و بر خلاف مالکیت مطلق، مالکیت دارنده مال در هر زمان و تحت هر شرایطی مطلق نیست (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰: ۱۱۸۷۳). در مالکیت مطلق، دارنده مالک حق تصرف و بهره‌برداری بدون قید و شرط دارد، اما در مالکیت متزلزل، حقوق مالک تنها در محدوده‌ای خاص و تحت شرایط قراردادی یا قانونی تحقق می‌یابد. مالکیت محدود نیز با مالکیت متزلزل تفاوت دارد؛ زیرا محدودیت در مالکیت محدود عمدتاً از سوی قانون یا مصلحت عمومی تعیین می‌شود و نه به واسطه شرایط قراردادی بین طرفین. این تمایز مفهومی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا درک دقیق مالکیت متزلزل پایه تحلیلی لازم برای بررسی عقد رهن و آثار حقوقی آن را فراهم می‌کند (کاتوزیان، ۱۴۰۴: ۱۲۲).

عقد رهن به‌عنوان یکی از عقود وثیقه‌ای، وسیله‌ای برای تضمین دیون و تعهدات است که در آن مدیون یا شخص ثالث مالی را به‌عنوان وثیقه در اختیار دائن قرار می‌دهد تا در صورت عدم ایفای تعهد، دائن حق تصرف در مال را داشته باشد (صفایی و جواهرکلام، ۱۴۰۳: ۴۵). تفاوت اصلی رهن با سایر عقود وثیقه‌ای، مانند ضمان و کفالت، در ماهیت انتقال حق و محدودیت‌های مالکانه است؛ در رهن، مالکیت متزلزل بر مال برقرار می‌شود، به گونه‌ای که حق تصرف به وثیقه‌گیرنده مشروط است و فقط در صورت عدم ایفای تعهد تحقق پیدا می‌کند (کاتوزیان، ۱۴۰۳: ۲۱۰). این ویژگی باعث می‌شود که رهن نه تنها وسیله‌ای برای تأمین دیون باشد

بلکه بستری برای بررسی تعامل مالکیت مشروط و الزامات قراردادی فراهم آورد. از منظر فقهی و حقوقی، مالکیت متزلزل و عقد رهن با مجموعه‌ای از اصول و قواعد مرتبط هستند که در تضمین تعهدات و تنظیم روابط بین طرفین نقش تعیین‌کننده دارند. قاعده لاضرر از جمله اصولی است که محدودیت‌های مالکانه و تعهدی را در قراردادهای مشخص می‌کند و هدف آن جلوگیری از ایجاد ضرر غیرموجه به طرف دیگر است (صفایی و جواهرکلام، ۱۴۰۳: ۸۸). قاعده ضمان نیز به‌عنوان یکی از ارکان حقوقی مالکیت متزلزل، مسئولیت مدیون یا ثالث در حفظ مال مرهونه را مورد تأکید قرار می‌دهد و چارچوبی برای تحقق حق وثیقه فراهم می‌سازد (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۴: ۳۵۰). علاوه بر این، قاعده تملیک به انتقال مالکیت و محدودیت‌های آن می‌پردازد و با توجه به شرایط رهن، مالکیت متزلزل را از مالکیت مطلق متمایز می‌سازد (کاتوزیان، ۱۴۰۴: ۱۳۰).

تطبیق مفاهیم سنتی مالکیت با نیازهای اقتصادی امروز ضرورت پیدا کرده است، زیرا ساختارهای مالی مدرن، گسترش معاملات بانکی و پیچیدگی‌های اقتصادی نیازمند تعاریف دقیق و منعطف مالکیت متزلزل هستند. بدون بازاندیشی در موازین فقهی و حقوقی، مالکیت متزلزل نمی‌تواند نقش مؤثری در تضمین تعهدات و امنیت قراردادهای ایفا کند. این ضرورت به ویژه زمانی برجسته می‌شود که رهن به‌عنوان ابزار تأمین تعهدات در قراردادهای تجاری و بانکی مورد استفاده قرار می‌گیرد و عدم شفافیت حقوقی می‌تواند موجب افزایش اختلافات و پیچیدگی‌های قضایی شود (صفایی و جواهرکلام، ۱۴۰۳: ۱۰۲).

در مجموع، چارچوب نظری و مفهومی مالکیت متزلزل و رهن، تلفیقی از تحلیل فقهی، بررسی قواعد عمومی حقوقی و نیاز به انطباق با شرایط اقتصادی روز است. این چارچوب، ضمن تبیین تفاوت‌های مالکیت متزلزل با مالکیت مطلق و محدود، تعریف دقیق رهن، و بررسی اصول مرتبط مانند لاضرر، ضمان و تملیک، زمینه‌ای برای تحلیل‌های عملی و پیشنهاد اصلاحات قانونی فراهم می‌آورد. اهمیت این چارچوب در آن است که بدون درک دقیق و تحلیلی این مفاهیم، امکان تبیین حقوق و مسئولیت‌های طرفین در قراردادهای رهن و ایجاد امنیت در معاملات مالی محدود خواهد بود (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۴: ۳۵۵).

۵-۲. دیدگاه فقهای امامیه در خصوص

مالکیت متزلزل در رهن

در فقه امامیه، رهن جایگاه ویژه‌ای دارد و به عنوان یکی از عقود وثیقه‌ای، وسیله‌ای برای تضمین دیون و تعهدات مالی تلقی می‌شود. رهن به معنای قرار دادن مال معین نزد دائن به عنوان وثیقه دیون است، به گونه‌ای که در صورت عدم ایفای تعهد، مرتهن حق تصرف در مال را دارد (طوسی، ج ۳، ۱۳۶۲: ۲۲). فقها رهن را به لحاظ ماهیت و آثار به انواع مختلفی تقسیم کرده‌اند؛ از جمله رهن دین که مال معین برای تضمین دین به مرتهن واگذار می‌شود و رهن منفعت که تنها منافع مال مرهون به عنوان وثیقه در اختیار مرتهن قرار می‌گیرد. آثار حقوقی رهن، علاوه بر تأمین دین، شامل محدود کردن مالکیت راهن، ایجاد حق تصرف مشروط برای مرتهن، و تعیین حدود مسئولیت‌های طرفین در حفظ و نگهداری مال مرهون است (انصاری، ج ۱، ۱۴۱۵: ۱۱۲-۱۱۳). این آثار باعث می‌شوند رهن هم وسیله‌ای برای

تحلیل مفهومی مالکیت متزلزل نشان می‌دهد که این نوع مالکیت، برخلاف مالکیت محدود که عمدتاً تحت تأثیر قانون و مقررات عمومی است، مبتنی بر توافق طرفین و شرایط قراردادی است و بنابراین توانایی انعطاف‌پذیری بیشتری در پاسخگویی به نیازهای اقتصادی و قراردادی دارد. از این رو، بررسی فقهی و حقوقی رهن و مالکیت متزلزل، علاوه بر تبیین ماهیت حقوقی آن، امکان ارائه راهکارهای نوین برای انطباق با شرایط بازار و محافظت از منافع طرفین را فراهم می‌آورد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶: ۴۵۰).

رهن به عنوان یکی از مصادیق عملی مالکیت متزلزل، رابطه‌ای پیچیده میان مالکیت، حق تصرف، و مسئولیت حقوقی ایجاد می‌کند. این رابطه، که به واسطه شرایط قراردادی و قواعد فقهی محدود می‌شود، چارچوبی برای بررسی نقش حقوق در تضمین امنیت معاملات و حفظ توازن منافع ایجاد می‌کند. همچنین، تحلیل حقوقی رهن نشان می‌دهد که بدون درک صحیح مالکیت متزلزل، اعمال حقوق مالکانه و اجرای تعهدات مالی با مخاطرات جدی مواجه خواهد شد (کاتوزیان، ۱۴۰۳: ۲۱۵).

تجمیع این مفاهیم و اصول، چارچوبی نظری و تحلیلی برای مطالعه مالکیت متزلزل در رهن فراهم می‌کند. این چارچوب امکان می‌دهد تا به طور همزمان ماهیت حقوقی، فقهی و عملی مالکیت متزلزل بررسی شود و راهکارهایی برای به‌روزرسانی موازین سنتی مالکیت ارائه گردد. اهمیت این تحلیل زمانی روشن می‌شود که نیازهای اقتصادی و الزامات بازار مدرن با ساختارهای حقوقی و فقهی سنتی سنجیده شود و خلأهای موجود شناسایی گردد (صفایی و جواهرکلام، ۱۴۰۳: ۱۱۲).

مالکیت فقط مشروط و نظری است (خمینی، ج ۲، ۱۴۳۴: ۵). این اختلاف نشان‌دهنده تنوع برداشت فقها از ترکیب حق مالکانه و حق تصرف مشروط در رهن است و بر پیچیدگی حقوقی مالکیت متزلزل تأکید دارد.

ارتباط مالکیت متزلزل با قواعد کلی فقهی از دیگر نکات قابل تأمل است. قاعده لاضرر نقش مهمی در تعیین حدود مالکیت و تصرف مرتهن ایفا می‌کند؛ بر اساس این قاعده، اعمال حقوق مرتهن نباید به گونه‌ای باشد که ضرری غیرضروری به مالک وارد شود. همچنین قاعده ضمان مسئولیت طرفین را در حفظ مال مرهون و جلوگیری از تلف یا نقصان آن مشخص می‌کند. قاعده تملیک نیز تأکید دارد که انتقال مالکیت در رهن باید محدود و مشروط باشد و با مالکیت مطلق تفاوت داشته باشد (النجفی الجواهری، ج ۲۵، ۱۳۶۲: ۱۷۸ و ۲۲۳). این قواعد نشان می‌دهند که مالکیت متزلزل در فقه امامیه نه تنها جنبه حقوقی دارد، بلکه با اصول کلی فقهی برای محافظت از حقوق طرفین و تضمین اجرای تعهدات پیوند خورده است.

تحلیل محدودیت‌های فقهی در مالکیت متزلزل نشان می‌دهد که برخی قواعد و شروط سنتی ممکن است پاسخگوی نیازهای اقتصادی و معاملاتی امروز نباشند. به عنوان مثال، شرط قبض مال برای تحقق رهن در شرایطی که مال منافع مستمر تولید می‌کند یا برای معاملات بانکی مدرن استفاده می‌شود، باعث محدودیت در بهره‌برداری عملی و کاهش انعطاف قرارداد می‌شود. علاوه بر این، برخی محدودیت‌ها در تعیین زمان تحقق مالکیت متزلزل و حدود مسئولیت مرتهن، مانع از ایجاد امنیت حقوقی کامل برای معاملات می‌شوند. این نقدها نشان می‌دهند که بازاندیشی در موازین فقهی، بدون

تحقق امنیت حقوقی طرفین باشد و هم بستری برای ایجاد مالکیت متزلزل فراهم آورد.

مالکیت متزلزل در فقه امامیه مفهومی است که به واسطه عقد رهن شکل می‌گیرد. این نوع مالکیت، به گونه‌ای تعریف می‌شود که حقوق مالک نسبت به مال مرهون محدود و مشروط به تحقق شرایط خاص است؛ به عبارت دیگر، مالک همچنان مالک قانونی مال است (الحلی، ج ۲، ۱۴۱۰: ۴۱۶)، اما برخی از حقوق مالکانه مانند تصرف کامل یا انتقال مالکیت به مرتهن، منوط به تحقق شرایطی مانند عدم ایفای دین می‌شود (طوسی، ج ۲، ۱۳۸۷: ۸۳). استدلال فقها برای پذیرش مالکیت متزلزل در رهن متنوع است. برخی بر اساس روایات و فتاوی سنتی استدلال می‌کنند که رهن به مرتهن حقی شبیه مالکیت می‌دهد، ولی این مالکیت تنها در صورت تحقق شرایط مشخص فعال می‌شود. این استدلال با هدف تضمین حق مرتهن و همزمان حفظ حقوق مالک راهن شکل گرفته و نشان‌دهنده تعامل دقیق میان حقوق مالکانه و الزامات قراردادی است.

با وجود این، فقها در چگونگی انتقال مالکیت و شرایط تحقق مالکیت متزلزل اختلاف دارند. برخی معتقدند که مالکیت متزلزل از لحظه انعقاد عقد رهن به مرتهن منتقل می‌شود، ولی محدودیت‌ها و شروطی آن را کنترل می‌کنند؛ به عبارت دیگر، مرتهن حق دارد در صورت عدم ایفای دین، عین مال را تصرف کند، اما مالکیت کامل هنوز نزد راهن باقی است (النجفی الجواهری، ج ۲۷، ۱۳۶۲: ۲۷۳). در مقابل، گروهی دیگر معتقدند که مالکیت متزلزل تنها در صورتی تحقق می‌یابد که شرایط خاصی مانند قبض مال یا عدم پرداخت دین عملی شود و پیش از آن، انتقال

دارد که رهن وسیله‌ای برای تضمین دین است، به نحوی که مرتهن حق دارد در صورت عدم ایفای دین، از مال مرهون تصرف کند. ماده ۷۵۲ قانون مدنی مالک را مالک قانونی مال معرفی کرده و ماده ۷۵۷ تصریح می‌کند که انتقال مالکیت در رهن تنها محدود به حقوق مرتهن است و مالکیت مطلق رهن همچنان باقی می‌ماند (صادقی، ۱۳۹۹: ۱۲). این چارچوب قانونی نشان‌دهنده آن است که قانون‌گذار، برخلاف برخی برداشت‌های ساده از مالکیت مطلق، به مالکیت مشروط و متزلزل توجه داشته و تلاش کرده است تا حق مرتهن را با حق مالک رهن متوازن سازد.

تحلیل رویه قضایی محاکم داخلی نشان می‌دهد که در دعاوی مربوط به رهن، قضاوت‌ها عمدتاً به تفسیر مواد قانونی و شرایط خاص هر پرونده وابسته است. برای مثال، در پرونده‌هایی که موضوع آن فروش ملک مورد رهن بوده، محاکم ابتدا بررسی می‌کنند که آیا حق تصرف مرتهن و حق مالک رهن رعایت شده است یا خیر، و سپس بر اساس ماده ۷۵۷ و ۷۵۹، تصمیم به حفظ توازن حقوقی یا فسخ قرارداد می‌گیرند (صدقی، ۱۳۹۲: ۷). همچنین، در دعاوی مرتبط با مالکیت متزلزل، محاکم به ویژه به پرسش‌هایی درباره زمان تحقق مالکیت متزلزل و حدود مسئولیت‌ها توجه دارند و گاه با تفسیر اصول کلی حقوق، مانند قاعده لاضرر و ضمان، تصمیم می‌گیرند (ره انجام و جعفری، ۱۳۹۹: ۱۹۵).

نقاط همگرایی حقوق ایران با فقه امامیه در این حوزه آشکار است. هر دو نظام حقوقی، مالکیت رهن را محدود به حقوق مرتهن می‌دانند و تأکید دارند که حق مرتهن برای تصرف در مال مرهون، مشروط به عدم ایفای دین است (اعیادی، علی‌پور و شاه‌محمدی، ۱۴۰۲: ۳۰). همچنین، هر دو بر

تغییر در اصول کلی، می‌تواند به ایجاد سازوکارهای عملی‌تر و منطبق با نیازهای روز کمک کند.

تأمل در استدلال‌های فقها همچنین نشان می‌دهد که مالکیت متزلزل ترکیبی از حق مالکانه و حق تصرف مشروط است. این ترکیب به مرتهن امکان می‌دهد تا در صورت عدم ایفای تعهد، از حقوق خود بهره‌مند شود، در حالی که مالک رهن نیز همچنان مالک قانونی باقی می‌ماند و حقوق وی محدود نمی‌شود. تحلیل‌های فقهی نشان می‌دهند که رعایت این تعادل میان حقوق مالک و مرتهن، شرط لازم برای مشروعیت رهن و مالکیت متزلزل است و بدون آن، عقد رهن ممکن است از نظر فقهی دچار نقص شود (الحلبی، ج ۱، ۱۴۱۷: ۲۴۲).

در نهایت، بررسی دیدگاه‌های فقهی امامیه پیرامون مالکیت متزلزل در رهن نشان می‌دهد که این مفهوم، نه تنها به عنوان یک ابزار تأمین تعهد، بلکه به عنوان یک سازوکار حقوقی و اقتصادی قابل تأمل در معاملات، اهمیت دارد. تحلیل استدلال‌های فقها و بررسی محدودیت‌ها، زمینه را برای بازاندیشی و تطبیق این موازین با شرایط اقتصادی و معاملاتی معاصر فراهم می‌کند. این بازاندیشی می‌تواند با حفظ اصول کلی فقهی و حقوقی، انعطاف لازم برای اجرای مؤثر رهن و تحقق مالکیت متزلزل را فراهم آورد و از بروز اختلافات قضایی جلوگیری کند.

۳-۵. چارچوب نظام حقوقی ایران و تطبیق با فقه امامیه

در چارچوب حقوقی ایران، عقد رهن و مالکیت متزلزل از منظر قانون مدنی مورد توجه ویژه قرار گرفته است. قانون مدنی ایران، در مواد ۷۵۲ تا ۷۸۶، قواعد کلی رهن را بیان می‌کند و تصریح

قوانین را برای رفع ابهامات و کاهش اختلافات قضایی نشان می‌دهد.

پیشنهاد بازاندیشی برای رفع ابهامات می‌تواند شامل تعریف دقیق مالکیت متزلزل، تعیین زمان تحقق آن، و شفاف‌سازی حقوق و تعهدات طرفین باشد. به عنوان مثال، قانون‌گذار می‌تواند در مواد مرتبط با رهن، مشخص کند که مالکیت متزلزل از چه زمانی و با چه شرایطی به مرتهن منتقل می‌شود و چه مسئولیت‌هایی برای رهن و مرتهن وجود دارد (ره انجام، ۱۳۹۶: ۲۹). همچنین، توجه به قاعده لاضرر و ضمان در تدوین مقررات، می‌تواند امنیت حقوقی طرفین را تقویت کند و امکان سوء استفاده یا تزییع حقوق را کاهش دهد (صادقی، ۱۳۹۹: ۲۸). این بازاندیشی، ضمن حفظ چارچوب کلی قانون مدنی، می‌تواند انعطاف بیشتری برای پاسخگویی به نیازهای اقتصادی و معاملات پیچیده فراهم آورد.

در مجموع، چارچوب حقوقی ایران در حوزه رهن و مالکیت متزلزل، همگرایی قابل توجهی با فقه امامیه دارد، اما برخی ابهامات و نقاط واگرایی، نیازمند اصلاح و بازنگری است. بررسی قوانین مدنی، رویه قضایی محاکم داخلی، و تطبیق آن با اصول فقهی نشان می‌دهد که با اصلاحات هدفمند می‌توان اجرای رهن و مالکیت متزلزل را شفاف‌تر و امن‌تر کرد. این اصلاحات نه تنها باعث کاهش اختلافات قضایی می‌شود، بلکه موجب ارتقای امنیت حقوقی معاملات و تضمین منافع رهن و مرتهن خواهد شد (اعیادی، علی‌پور و شاه‌محمدی، ۱۴۰۲: ۳۵). بازاندیشی در قوانین مدنی، با رعایت اصول کلی فقهی، می‌تواند زمینه‌ای برای انطباق حقوق ایران با نیازهای اقتصادی امروز فراهم آورد و تعادل میان حقوق مالک و مرتهن را تقویت کند.

اهمیت رعایت تعادل میان حقوق مالک و مرتهن تأکید دارند و در تعهدات مربوط به نگهداری مال، مسئولیت‌های طرفین را تعریف کرده‌اند. این همگرایی نشان‌دهنده تأثیر مستقیم فقه امامیه بر قوانین مدنی ایران است و تداوم نگرش سنتی فقهی در نظام حقوقی معاصر را نمایان می‌سازد.

با این حال، نقاط واگرایی نیز وجود دارد. یکی از مهم‌ترین موارد اختلاف، نحوه انتقال مالکیت متزلزل است. در فقه امامیه، مالکیت متزلزل به مرتهن به شکل حقوق مشروط و با شرایط خاص منتقل می‌شود، در حالی که قانون مدنی ایران در برخی موارد نسبت به جزئیات انتقال مالکیت و زمان تحقق آن ساکت است و به تفسیر محاکم واگذار می‌شود (ره انجام، ۱۳۹۶: ۲۵). علاوه بر این، محدودیت‌های فقهی مانند ضرورت قبض مال و شروط خاص در رهن، گاه در قانون مدنی به شکل انعطاف‌پذیرتر و با تأکید بر حفظ حقوق طرفین بازتاب یافته‌اند (محقق داماد و جواهرکلام، ۱۴۰۳: ۱۸). این تفاوت‌ها باعث شده است که برخی دعاوی قضایی دچار ابهام یا اختلاف نظر شود و نیاز به بازاندیشی در قوانین مدنی احساس گردد. نقد حقوق ایران در این زمینه بیشتر بر ابهامات و تعارض‌های قانونی متمرکز است. برخی مواد، مانند ماده ۷۵۷ و ۷۵۹، بدون تعیین دقیق زمان تحقق مالکیت متزلزل، به محاکم اجازه داده‌اند تا با تفسیرهای متفاوت، تصمیم‌گیری کنند، که می‌تواند منجر به نابرابری در حقوق طرفین و افزایش اختلافات قضایی شود (صادقی، ۱۳۹۹: ۲۰). علاوه بر این، قوانین مدنی ایران گاه به شروط محدودکننده رهن توجه نکرده‌اند، در حالی که فقه امامیه بر رعایت تعادل میان حقوق مالک و مرتهن تأکید دارد (سیاه‌بیدی کرمانشاهی، ۱۳۹۹: ۱۸۵). این نقیصه‌ها ضرورت بازاندیشی و اصلاح

۵-۴. چالش‌ها و مسائل عملی

در نظام حقوقی ایران و با توجه به چارچوب فقهی امامیه، مالکیت متزلزل در عقد رهن با چالش‌های عملی متعددی همراه است که بر اجرای صحیح قراردادها و تضمین حقوق طرفین تأثیر قابل توجهی دارد. یکی از مهم‌ترین مشکلات اجرایی، نحوه ثبت رهن و تعیین زمان تحقق مالکیت متزلزل است. قوانین مدنی ایران، هرچند مالکیت متزلزل را به رسمیت شناخته‌اند، اما در بسیاری از موارد، مقررات ثبت رهن مبهم بوده و باعث ایجاد اختلاف در تفسیر و اجرای حقوق مرتهن و راهن می‌شود. این مسأله، به ویژه در بازار بانکی و تجاری که قراردادهای رهنی متعدد و پیچیده منعقد می‌شود، مشکلات عملی فراوانی ایجاد می‌کند، زیرا تأخیر یا عدم ثبت صحیح ممکن است حق مرتهن را کاهش دهد و در برخی موارد، منجر به تضییع حقوق مالک شود (سلیمانی‌پور، ۱۴۰۱: ۴۰۰).

تضاد منافع میان رهن‌دهنده و رهن‌گیرنده از دیگر چالش‌های اساسی است. مالک راهن، با حفظ مالکیت قانونی، تمایل دارد که تصرفات خود در مال مرهون محدود نشود، در حالی که مرتهن به منظور تضمین دین، نیازمند کنترل و محدودیت‌هایی بر تصرف مالک است (ساداتیان جویباری، ۱۳۹۵: ۲۲). این تضاد منافع می‌تواند زمینه اختلافات قضایی و کاهش امنیت حقوقی قراردادها را فراهم آورد. به ویژه در معاملات بانکی، رهن‌دهنده ممکن است بدون رضایت مرتهن اقدام به فروش یا انتقال مال مرهون کند، که با حقوق مرتهن در تضاد است. در چنین مواردی، ضمانت اجرای حقوق مرتهن و تعیین مسئولیت‌های مالک و مرتهن اهمیت حیاتی پیدا

می‌کند (ایزانلو، حبیبی و شعبانی کندسری، ۱۳۹۵: ۹۰).

ریسک‌های اقتصادی و حقوقی مالکیت متزلزل نیز در قراردادهای تجاری قابل توجه است. از منظر اقتصادی، سرمایه‌گذاران و بانک‌ها نیازمند اطمینان از قابلیت تصرف و بازپرداخت دین هستند و هرگونه ابهام در مالکیت متزلزل می‌تواند منجر به کاهش نقدینگی، افزایش هزینه تأمین مالی و ریسک‌های اعتباری شود (جعفرپور و سیاهبیدی کرمانشاهی، ۱۴۰۰: ۷۲). از منظر حقوقی، ناهماهنگی بین فقه و قانون مدنی در تعریف زمان تحقق مالکیت متزلزل و اختیارات مالک، باعث اختلاف در تصمیمات قضایی می‌شود و اجرای قراردادها را پیچیده می‌کند. این مسأله به ویژه در قراردادهای رهن بانکی با ارزش مالی بالا و طرفین متعدد اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (معظمی گودرزی و شیخی نصرآبادی، ۱۳۹۷: ۱۶۰). تحلیل موردی برخی بازارهای ایران نشان می‌دهد که این چالش‌ها در عمل ملموس هستند. به عنوان مثال، در قراردادهای رهنی بین بانک‌ها و مشتریان، گاه مال مرهون توسط راهن به اشخاص ثالث منتقل می‌شود یا فروش می‌رسد، در حالی که ثبت رسمی رهن هنوز کامل نشده است. این امر باعث می‌شود مرتهن در تحقق حق خود با مشکل مواجه شود و نیاز به اقدام قضایی پیدا کند (سلیمانی‌پور، ۱۴۰۱: ۴۰۶). مطالعه دیگری درباره معاملات املاک تجاری نشان می‌دهد که مالکیت متزلزل در رهن، زمانی که با قراردادهای تأمین مالی پیچیده تلفیق می‌شود، می‌تواند منجر به اختلاف میان بانک، راهن و سایر ذینفعان شود و مدیریت ریسک حقوقی و اقتصادی را دشوار کند (میرآقایی، ۱۴۰۱: ۱۵).

مالک است (جعفرپور و سیاهبیدی کرمانشاهی، ۱۴۰۰: ۷۵). این اقدامات، ضمن رعایت اصول حقوقی و فقهی، امکان بهره‌برداری مؤثر و کاهش تضاد منافع را فراهم می‌کند و از بروز اختلافات قضایی و اقتصادی جلوگیری می‌نماید. به علاوه، استفاده از قراردادهای استاندارد بانکی که تمامی اختیارات و تعهدات طرفین را مشخص می‌کنند، می‌تواند امنیت حقوقی و اقتصادی قراردادها را افزایش دهد (معظمی گودرزی و شیخی نصرآبادی، ۱۳۹۷: ۱۶۸).

در مجموع، چالش‌های عملی مالکیت متزلزل در رهن، شامل ثبت و اجرای رهن، تضاد منافع میان رهن و مرتهن، ریسک‌های اقتصادی و حقوقی در قراردادهای بانکی و تجاری، و تصرفات مالک در دوران تزلزل مالکیت است. تحلیل موردی بازار ایران نشان می‌دهد که نبود شفافیت و هماهنگی بین قوانین و رویه قضایی، زمینه‌ساز مشکلات عملی و حقوقی است و نیاز به بازاندیشی و اصلاح مقررات احساس می‌شود. بازنگری در چارچوب قانونی و اجرای دقیق محدودیت‌ها می‌تواند امنیت حقوقی طرفین را تضمین کرده و ریسک‌های اقتصادی و قضایی مرتبط با مالکیت متزلزل را کاهش دهد.

۵-۵. پیشنهادها و بازاندیشی حقوقی-فقهی

بازاندیشی حقوقی و فقهی مالکیت متزلزل در عقد رهن نیازمند رویکردی جامع است که هم اصول فقهی و هم الزامات حقوقی و اقتصادی امروز را در نظر گیرد. از منظر فقهی، بازخوانی قواعد و اصول مربوط به مالکیت متزلزل ضروری به نظر می‌رسد، چرا که بسیاری از استدلال‌های سنتی فقهی، مبتنی بر شرایط اقتصادی و اجتماعی گذشته بوده و پاسخگوی پیچیدگی‌های معاملات معاصر نیستند. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که

علاوه بر این، برخی تصرفات مالک در دوران تزلزل مالکیت، مانند استفاده از مال مرهون برای کسب منفعت یا ایجاد تعهد جدید، می‌تواند حقوق مرتهن را تحت تأثیر قرار دهد و موجب تضاد منافع شود (ساداتیان جویباری، ۱۳۹۵: ۲۸). این تصرفات ممنوعه، اگرچه از منظر مالک رهن ممکن است مشروع به نظر برسد، اما در واقع خطر کاهش تضمین دین را برای مرتهن افزایش می‌دهد. بنابراین، تبیین حدود اختیارات مالک و مرتهن، و ارائه راهکارهای اجرایی برای اعمال این حدود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (میرآقایی، ۱۴۰۱: ۱۸).

علاوه بر ریسک‌های فردی، پیامدهای اقتصادی مالکیت متزلزل نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در بازارهای بانکی و تجاری، ابهامات در مالکیت متزلزل می‌تواند منجر به کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و اعتبار مالی نهادها شود. در مواردی که رهن اقدام به فروش یا انتقال مال مرهون پیش از تحقق کامل مالکیت متزلزل مرتهن می‌کند، امکان اعتراض قضایی وجود دارد، اما این فرآیند زمان‌بر بوده و هزینه‌های حقوقی قابل توجهی را تحمیل می‌کند (ایزانلو، حبیبی و شعبانی کندسری، ۱۳۹۵: ۹۵). به علاوه، نبود شفافیت در قراردادهای و تفاوت برداشت محاکم از مالکیت متزلزل، موجب می‌شود که ریسک اعتباری بانک‌ها افزایش یابد و تسهیلات مالی با نرخ بالاتری ارائه شود، که اثرات مستقیم اقتصادی دارد.

تحلیل تجربی نشان می‌دهد که راهکارهای پیشنهادی برای کاهش چالش‌ها شامل تدوین مقررات شفاف‌تر برای ثبت رهن، تعیین دقیق زمان تحقق مالکیت متزلزل، و ارائه دستورالعمل‌های محدودکننده برای تصرفات

همچنین شامل تعیین دقیق حدود مسئولیت‌ها و اختیارات طرفین است تا از سوء استفاده و تضییع حقوق جلوگیری شود. به علاوه، توصیه می‌شود که قراردادهای رهنی استاندارد و الگوهای حقوقی مشخص تدوین شوند تا فرآیند اجرای مالکیت متزلزل شفاف و قابل پیش‌بینی باشد (عبدلی، ۱۳۹۲: ۷۴).

بازاندیشی حقوقی-فقهی همچنین آثار اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی دارد. از نظر اقتصادی، شفافیت و امنیت حقوقی در مالکیت متزلزل، اعتماد سرمایه‌گذاران و نهادهای مالی را افزایش می‌دهد و ریسک اعتباری بانک‌ها و فعالان اقتصادی را کاهش می‌دهد. با کاهش ابهامات قانونی و اختلافات قضایی، هزینه‌های حقوقی معاملات نیز کاهش یافته و سرعت انجام تراکنش‌ها افزایش می‌یابد (منصوری، ۱۴۰۰: ۸۵). از منظر اجتماعی، بازاندیشی موجب ارتقای عدالت و حفاظت از حقوق طرفین، کاهش اختلافات میان افراد و مؤسسات، و افزایش رضایت و اعتماد عمومی نسبت به نظام حقوقی می‌شود. چنین بازنگری‌ای می‌تواند رابطه بین حقوق فقهی و حقوق مدنی را تقویت کند و حس انطباق قوانین با نیازهای جامعه را افزایش دهد.

یکی از عناصر کلیدی در مدل پیشنهادی، تدوین دستورالعمل‌های دقیق برای محدودیت تصرفات مالک در دوران تزلزل مالکیت است. مالک نباید قادر باشد بدون رضایت مرتهن، مال مرهون را بفروشد، انتقال دهد یا تعهدی جدید بر آن ایجاد کند، مگر در چارچوب مقررات قانونی و قراردادی مشخص. این محدودیت‌ها، هم با اصول فقهی همسو هستند و هم با الزامات اقتصادی و حقوقی معاصر تطبیق دارند (فخعلی، ۱۳۹۵: ۳۳). در عین حال، مرتهن باید امکان نظارت مؤثر بر مال

قواعدی مانند لاضرر، ضمان و تملیک، اگرچه از اصول بنیادی فقه هستند، اما در نظام‌های معاملاتی امروز نیازمند تطبیق با قراردادهای بانکی، تجاری و سرمایه‌گذاری پیچیده‌اند (محسن‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۴۰). بازخوانی این اصول می‌تواند ضمن حفظ ساختار فقهی، انعطاف بیشتری برای تضمین حقوق طرفین فراهم آورد و زمینه کاهش اختلافات و دعاوی قضایی را فراهم کند.

از منظر حقوقی، اصلاح قوانین مدنی، رویه قضایی و مقررات ثبتی امری حیاتی است. با توجه به ابهامات موجود در مواد مربوط به رهن و مالکیت متزلزل، پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار به صراحت زمان تحقق مالکیت متزلزل، حدود اختیارات مالک و مرتهن، و ضمانت اجرای حقوق هر طرف را مشخص نماید. همچنین، رویه قضایی محاکم داخلی می‌تواند با ارائه دستورالعمل‌های یکسان برای تفسیر مالکیت متزلزل، امنیت حقوقی و پیش‌بینی‌پذیری را افزایش دهد (مومنی، ۱۳۹۳: ۴۵). اصلاح مقررات ثبتی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا ثبت دقیق و شفاف رهن، نه تنها از تضاد منافع میان رهن و مرتهن جلوگیری می‌کند، بلکه امکان نظارت و پیگیری حقوقی را تسهیل می‌نماید.

مدل پیشنهادی برای مالکیت متزلزل در رهن، ترکیبی از اصول فقهی و الزامات حقوقی ایران است. در این مدل، مالکیت رهن به صورت مشروط و محدود باقی می‌ماند، به نحوی که حق تصرف مالک تنها در چارچوب حقوق مرتهن و با رعایت شرایط قانونی و قراردادی ممکن باشد. انتقال مالکیت متزلزل به مرتهن مشروط به تحقق شرایط معین، مانند عدم ایفای دین یا ثبت رسمی رهن، خواهد بود (زاهدپور، ۱۳۹۴: ۱۰۲). این مدل

معین ممکن می‌شود. این مفهوم در فقه امامیه با دلایل عقلی، نقلی و قاعده‌ای تأیید شده، اما فقها در مورد نحوه انتقال مالکیت، حدود اختیارات مالک و شرایط تحقق مالکیت متزلزل اختلاف نظر داشته‌اند. بررسی ادله فقهی نشان می‌دهد که این اختلافات نه تنها ماهیت مالکیت متزلزل را پیچیده کرده، بلکه باعث محدودیت در کاربرد عملی آن نیز شده است و نیازمند بازخوانی اصول و قواعد فقهی مطابق با شرایط اقتصادی و اجتماعی امروز است.

در حقوق ایران، مالکیت متزلزل در قالب مقررات رهن مورد توجه قرار گرفته و قانون مدنی تلاش کرده است که توازن میان حقوق مالک رهن و مرتهن را برقرار کند. با این حال، بررسی مواد قانونی، رویه قضایی محاکم و مقررات ثبتی نشان می‌دهد که ابهامات متعددی در زمان تحقق مالکیت متزلزل، حدود اختیارات مالک و مرتهن، و ضمانت اجرای حقوق طرفین وجود دارد. این ابهامات باعث ایجاد تضاد منافع، بروز اختلافات قضایی و افزایش ریسک‌های اقتصادی در معاملات بانکی و تجاری می‌شوند. تحلیل موارد عملی در بازار ایران، به ویژه در معاملات بانکی و قراردادهای املاک تجاری، نشان داد که ثبت ناقص رهن، فروش یا انتقال مال مرهون توسط مالک بدون رعایت حقوق مرتهن، و استفاده از مال مرهون برای ایجاد تعهدات جدید، از مهم‌ترین مشکلات عملی و حقوقی مالکیت متزلزل است. این موارد نیاز به تدوین راهکارهای عملی، دستورالعمل‌های حقوقی و اصلاح قوانین برای کاهش تضاد منافع و ارتقای امنیت حقوقی دارند.

بازاندیشی فقهی و حقوقی، در این چارچوب، اهمیت ویژه‌ای دارد. از منظر فقهی، بازخوانی

مرهون داشته باشد تا تضمین دین واقعی شود و هرگونه نقض حقوق وی قابل پیگیری باشد.

همچنین، باز اندیشی می‌تواند شامل ارائه آموزش‌ها و راهنماهای کاربردی برای قضات، وکلای حقوقی و فعالان اقتصادی باشد تا ابهامات موجود در اجرای رهن و مالکیت متزلزل کاهش یابد. استفاده از سیستم‌های ثبت و نظارت دیجیتال برای رهن‌ها، امکان پیگیری و اطمینان از وضعیت مالکیت را فراهم می‌کند و از بروز اختلافات جلوگیری می‌نماید (محسن‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۴۸). به این ترتیب، بازاندیشی حقوقی-فقهی، تنها اصلاح قوانین نیست، بلکه شامل طراحی فرآیندهای اجرایی و نظارتی موثر نیز می‌شود.

در نهایت، بازاندیشی حقوقی-فقهی در مالکیت متزلزل، پلی میان فقه امامیه و حقوق ایران ایجاد می‌کند که ضمن حفظ اصول دینی و سنتی، پاسخگوی نیازهای اقتصادی و اجتماعی امروز باشد. این رویکرد می‌تواند اجرای رهن را امن‌تر و پیش‌بینی‌پذیرتر کند، تضاد منافع میان طرفین را کاهش دهد، و اعتماد به نهادهای حقوقی و مالی را تقویت نماید. اثرات گسترده اقتصادی و اجتماعی این بازاندیشی، نه تنها به نفع طرفین قرارداد است، بلکه می‌تواند موجب بهبود عملکرد بازارهای مالی و توسعه اقتصادی کشور شود.

۶. نتیجه

مطالعه حاضر نشان داد که مالکیت متزلزل در عقد رهن، مفهومی پیچیده و چندلایه است که هم از منظر فقه امامیه و هم از منظر حقوق ایران نیازمند بازاندیشی دقیق و تحلیل عمیق است. مالکیت متزلزل، بر خلاف مالکیت مطلق، نوعی مالکیت مشروط و محدود است که انتقال آن به مرتهن، تابع شرایط مشخصی است و تحقق آن تنها در صورت عدم ایفای دین یا تحقق شروط

عقد رهن کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به ارتقای امنیت اقتصادی و حقوقی معاملات نیز منجر شود. بازخوانی و تطبیق اصول فقهی با شرایط مدرن، اصلاح قوانین و مقررات، و ارائه دستورالعمل‌های کاربردی برای طرفین، ابزارهایی هستند که می‌توانند کارایی مالکیت متزلزل را در عمل افزایش دهند و در عین حال، تضاد منافع را کاهش دهند. از سوی دیگر، نیاز به آموزش و اطلاع‌رسانی به قضات، وکلا و فعالان اقتصادی نیز مشهود است تا ابهامات موجود در مالکیت متزلزل و رهن به حداقل برسد و فرآیند اجرای حقوقی به شکل منسجم و قابل پیش‌بینی انجام شود.

توصیه‌های پژوهشی آینده شامل بررسی تطبیقی بیشتر مالکیت متزلزل در نظام‌های حقوقی دیگر، تحلیل اثرات اقتصادی بازاندیشی حقوقی و فقهی، و مطالعه موردی گسترده‌تر بازارهای بانکی و تجاری ایران است. چنین پژوهش‌هایی می‌توانند اطلاعات دقیق‌تر و کاربردی‌تر برای بهبود چارچوب قانونی و فقهی مالکیت متزلزل فراهم کنند و زمینه اصلاحات هدفمند را تقویت نمایند. همچنین، توجه به نوآوری‌های حقوقی و مالی مانند ثبت دیجیتال رهن، استفاده از قراردادهای هوشمند و استانداردهای اسناد رهنی، می‌تواند به کاهش اختلافات و افزایش شفافیت کمک کند. در پایان، می‌توان نتیجه گرفت که مالکیت متزلزل در رهن، اگرچه مفهومی پیچیده و چالش‌برانگیز است، اما با بازاندیشی فقهی و اصلاحات حقوقی، امکان بهره‌برداری عملی و اقتصادی مؤثر دارد. این بازاندیشی نه تنها حقوق طرفین را تضمین می‌کند، بلکه به توسعه اقتصادی، ارتقای امنیت حقوقی و کاهش اختلافات قضایی نیز کمک می‌نماید. ایجاد یک چارچوب یکپارچه و هماهنگ میان فقه و حقوق

اصول مانند قاعده لاضرر، ضمان و تملیک و تطبیق آن‌ها با شرایط اقتصادی امروز می‌تواند امکان بهره‌برداری عملی از مالکیت متزلزل را افزایش دهد و موجب کاهش اختلافات میان طرفین شود. از منظر حقوقی، اصلاح مواد قانونی مربوط به رهن، تعیین دقیق زمان تحقق مالکیت متزلزل، شفاف‌سازی حدود اختیارات مالک و مرتهن، و تدوین مقررات ثبتي شفاف و قابل اجرا، می‌تواند اجرای رهن را امن‌تر و پیش‌بینی‌پذیرتر نماید. همچنین، توسعه رویه قضایی هماهنگ و استفاده از قراردادهای استاندارد، باعث کاهش ابهامات و کاهش نیاز به تصمیمات قضایی متناقض می‌شود و امنیت حقوقی طرفین را تقویت می‌کند.

بررسی ترکیبی فقه و حقوق ایران، ضرورت ایجاد مدل‌های کاربردی و منسجم برای مالکیت متزلزل در رهن را آشکار می‌کند. چنین مدلی باید به گونه‌ای طراحی شود که هم اصول فقهی را رعایت کند و هم پاسخگوی نیازهای اقتصادی و اجتماعی امروز باشد. محدودیت‌های مالک برای تصرف مال مرهون، تعهدات مشخص مرتهن، و ثبت و نظارت شفاف بر رهن، از ارکان اساسی این مدل محسوب می‌شوند. این مدل، ضمن حفظ توازن میان حقوق طرفین، امکان کاهش تضاد منافع، کاهش دعاوی قضایی و افزایش اعتماد به نظام حقوقی را فراهم می‌کند. افزون بر این، بازاندیشی و اصلاحات پیشنهادی اثرات اقتصادی و اجتماعی مثبتی نیز دارد؛ شفافیت در مالکیت متزلزل باعث افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران، کاهش ریسک اعتباری بانک‌ها و تسهیل جریان سرمایه می‌شود و به توسعه بازارهای مالی و تجاری کمک می‌کند.

پژوهش حاضر همچنین نشان داد که بازاندیشی در موازین فقهی و حقوقی نه تنها به بهبود اجرای

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

ایران، همراه با توجه به نیازهای اقتصادی و اجتماعی امروز، می‌تواند اجرای رهن را مطمئن‌تر کرده و نقش مالکیت متزلزل را در بازارهای بانکی و تجاری به شکل بهینه تقویت نماید. در نهایت، بازاندیشی مستمر و پژوهش‌های آینده در این حوزه، برای ارتقای عملکرد حقوقی و اقتصادی قراردادهای رهنی ضروری و سودمند خواهد بود.

منابع

- اعیادی، طاهر، علی پور، سلمان، شاه محمدی، ابوالفضل، حدود و ثغور تعارض دو حق در عقد معلق، پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، پنج، چهار، ۳۸، ۱۴۰۲.
- انصاری، شیخ مرتضی، الزکاة (ج ۱)، قم: المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأعظم الأنصاري، الأمانة العامة، ۱۴۱۵.
- ایزانلو، محسن، حبیبی، سینا، شعبانی کندسری، هادی، ضمانت اجرای بیع عین مرهون: مطالعه‌ای در فقه تطبیقی، پژوهشنامه حقوق اسلامی، هفت، یک، ۱۰۴، ۱۳۹۵.
- جعفرپور، جمشید، سیاه بی‌دی کرمانشاهی، سعید، تاملی بر رابطه عقد رهن و قرارداد وثیقه؛ جستاری نقادانه در باب تحول مفهوم توثیق اموال از رهن سنتی، آموزه‌های فقه مدنی، سیزده، بیست و سه، ۹۰، ۱۴۰۰.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، الفارق: دائره‌المعارف عمومی حقوق (د - عده) (جلد ۳)، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۶.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۴۰۴.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق (واژه شماره ۱۱۸۷۳)، تهران، گنج دانش، ۱۴۰۰.
- الحلبي، السيد حمزة بن علي بن زهرة، غنية النزوع إلى علمي الأصول والفروع (ج ۱)، قم: إعتما، ۱۴۱۷.
- الحلبي، ابن إدريس، السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى (ج ۲)، قم: مؤسسه النشر الاسلامي التابعه لجماعة المدرسين، ۱۴۱۰.
- خمینی، روح‌الله، موسوعه الامام الخميني، ج ۲۳، تحرير الوسيله، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، ۱۴۳۴.
- ره انجام، حمیده، جعفری، شقایق، بررسی مصادیق تصرفات مالک در دوران تزلزل مالکیت و وضعیت حقوقی آنها، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، چهل و سه، ۲۰۷، ۱۳۹۹.
- ره انجام، حمیده، مالکیت متزلزل، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، نه، سی و چهار، ۳۲، ۱۳۹۶.
- زاهدپور، غلامعباس، تحلیل فقهی و حقوقی ماهیت شرایط و آثار مالکیت متزلزل و تاثیر آن بر حدود اختیارات مالک در نظام حقوقی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ۱۳۹۴.

- ساداتیان جویباری، سید محمدباقر، حدود اختیارات مالک در مالکیت متزلزل و آثار حقوقی آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بهشهر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر، ۱۳۹۵.
- سلیمانی پور، حامد، آثار فروش مال رهنی توسط راهن و مرتهن، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، هشت، سه، ۴۱۴، ۱۴۰۱.
- سیاه بیدی کرمانشاهی، سعید، نقدی بر انگاره‌ی مشهور فقیهان امامیه و قانون مدنی در باب شروط محدودکننده عقد رهن، فقه، بیست و هفت، چهار، ۱۹۹، ۱۳۹۹.
- صادقی، بهروز، آثار حقوقی تصرف مالک در مالکیت متزلزل، تهران، مجد، ۱۳۹۹.
- صدقی، غلامعلی، فروش ملک مورد رهن، پژوهشگاه علوم انسانی و اطلاعات فرهنگی، دو، ۱۶، ۱۳۹۲.
- صفایی، حسین و جواهرکلام، محمدهادی، حقوق مدنی پیشرفته (جلد نخست) تضمین‌های دین (رهن و ضمان)، تهران، سهامی انتشار، ۱۴۰۳.
- الطوسی، محمدبن حسن، الخلاف (ج ۳)، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۲.
- الطوسی، محمدبن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه (ج ۲)، تهران: المكتبة المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷، ص ۸۳
- عبدلی، فاطمه، بررسی رهن و توثیق اسناد تجاری در فقه و حقوق موضوعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت معلم - تهران - دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۲.
- فخعلی، محمدتقی، مالکیت متزلزل (تحلیل فقهی ماهیت، مصادیق و احکام)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد - دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری، ۱۳۹۵.
- کاتوزیان، ناصر، دوره حقوق مدنی عقود معین جلد چهارم (عقود اذنی، وثیقه‌های دین، ودیعه، عاریه، وکالت، ضمان، حواله، کفالت، رهن)، تهران، گنج دانش، ۱۴۰۳.
- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی درس‌هایی از عقود معین جلد دوم (ودیعه، عاریه، وکالت، ضمان، حواله، کفالت، رهن)، تهران، گنج دانش، ۱۴۰۴.
- محسن زاده، ابوالفضل، بررسی و تحلیل فقهی و حقوقی معاملات نسبت به عین مرهونه در نظام کنونی، قتنون یار، سه، دوازده، ۱۵۸، ۱۳۹۸.
- محقق داماد، سید مصطفی، جواهرکلام، محمدهادی، مالکیت مراعی؛ مفهوم و مصادیق، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، شصت و سه، ۳۲، ۱۴۰۳.

- معظمی گودرزی، مهدی، شیخی نصرآبادی، مجیدرضا، واکاوی عقد رهن (از حیث لزوم و جواز) در فقه و قانون مدنی، مبانی فقهی حقوق اسلامی، یازده، بیست و دو، ۱۷۹، ۱۳۹۷.
- منصوری، مرتضی، مالکیت متزلزل در نظام حقوقی ایران و مصر، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده علوم انسانی، ۱۴۰۰.
- مومنی، مهدیه، ماهیت حقوقی و آثار معاملات رهنی، پایان نامه کارشناسی ارشد، کرمان، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه شهید باهنر کرمان - دانشکده حقوق و معارف اسلامی، ۱۳۹۳.
- میرآقایی، معصومه، بررسی حقوقی تصرفات ممنوعه و معامله ناقله در عقد رهن، مشهد، سومین کنفرانس بین المللی فقه، حقوق، وکالت و علوم اجتماعی در افق ایران، ۱۴۰۱.
- النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن (صاحب جواهر)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۶۲.

